من و اماس

این همه «درد» نهان هست و مجال آه نیست

مریم پیمان

● با هر حرکت چشم راستم درد در تمام سرم می‌پیچد. صداها چندین‌برابر شده‌اند مانند نگاه او در خاطر من. کسی در راه‌پله، دیگری را صدا می‌زند. دیگری کس دیگری را. می‌روند و می‌آیند. شادمانی در صدای آنها موج می‌زند. غلت می‌زنم. درد در دندان‌هایم متوقف شده است. یک‌باره به خواب می‌روم و یک‌باره بیدار می‌شوم. بیداد می‌کند در سرم دردی که آسایش لحظه بیداری را بر من حرام کرده است. کسی دیگری را صدا می‌زند و من غلت. سرم تیر می‌کشد و دندانم و چشمانم. درد. درد. درد. خبری از خواب نیست. بیداری بیداد نمی‌کند. درد سلطه می‌راند. کسی می‌رود. دیگری می‌آید. از تزریق آخر چند ساعتی گذشته است و از درد گویی سال‌ها. پتو را کنار می‌زنم. تب، شعله می‌کشد. دکمه آخر کاپشن را کلافه می‌بندم. در را باز می‌کنم. میهمانان شاد از راه‌پله رد می‌شوند. سوز سرمای پاییز سترون در جانم می‌نشیند. عرق روی پشتم محو می‌شود. درد در استخوان خشکم جان می‌گیرد. راه می‌افتم در کوچه تاریک و ناهموار تردید نیمه‌شب پاییزی. صدای قدم‌هایم ذهنِ درد را خراش می‌دهد. با هر گام فشار دندان‌ها را بیشتر می‌کنم. می‌گویند پیاده‌روی سردرد را بهتر می‌کند. تب، شعله می‌کشد. کسی از کنارم می‌گذرد. دکمه کاپشن را باز می‌کنم. مسکن‌ها هیچ اثری ندارند. بی‌خوابی درد را چند برابر کرده است. گلاب، چای، قهوه، مسکن، قرص و تزریق، درد را آرام نمی‌کند. انگشتانم برگه قرص‌های مسکن را در جیبم لمس می‌کند. رهایش می‌کنم. از مسمومیت استامینوفن می‌ترسم. برای شش ساعت گذشته سه عدد زیاد بوده است. نفس‌کشیدن در هوای سرد و خاکستری شهر دشوار است. برای تنوع، عمیق نفس می‌کشم. در کمتر از چند ساعت مسمومیت حاد استامینوفن را هشدار داده‌اند، اما درد ناشی از بی‌خوابی و سروصدای خانه و آلودگی این‌روزها راهی جز مصرف آنها نگذاشته است. ساعت از سه صبح گذشته است. روی تخت دراز می‌کشم. کسی دیگری را صدا می‌کند. بیدار می‌شوم. صورتم از درد خیس است. می‌خواند: «این چه استغناست یا رب وین چه قادر حکمت است/ کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست» باز راه می‌افتم. ماشین سردتر از همیشه در ترافیک ایستاده است. تهوع چاره‌ای جز بستری باقی نمی‌گذارد. جلوی در بیمارستان ماشین می‌ایستد. روی فرمان ضرب می‌گیرم. ناگهان به جلو می‌رانم. این‌بار نمی‌خواهم بستری شوم. شهر خلوت است. کاش! خلوت بماند. نفس نمی‌آید و نمی‌رود. مصرف استامینوفن مشکل تنفسی را جدی‌تر کرده است. به دوستی پناه می‌برم تا با لبخندش درد را التیام بخشد. به چین‌های شکسته موهایش خیره شده‌ام. بلند و بی‌وقفه حرف می‌زند. نمی‌دانم از مسافرت به شمال چگونه به داستان تصادف در تهران رسید. در پیچ‌وخم داستان‌ها دندان‌هایم ساییده می‌شوند. لیوان آب را سر می‌کشم. می‌گویند آب و گلاب برای رفع درد سر مؤثر است. با قاشق نقش می‌کشم روی ظرف. شاید غذاخوردن و بالارفتن قند خون، درد را کمتر کند. با خودم عهد می‌کنم، وقتی دردهایم کمتر شد، کمی ورزش کنم. شاید تنفس مرتب و تمرین‌های ورزشی از درد پیشگیری کند. به خیال تکرار نگاه «او» می‌اندیشم. درد در سرم آرام می‌شود.

گزارش «شرق» از اقدام خیران برای راه‌اندازی کتابخانه در روستاهای آذربایجان غربی و کردستان

شور کتاب‌خوانی از «لج» تا «شوی»

صدرا محقق: سوز سرمای پاییزی می‌وزد، اما بچه‌ها ردیف‌به‌ردیف با لباس‌های نو و رنگ‌رنگ دو طرف خیابان اصلی روستا ایستاده‌اند با شاخه‌های گل در دستشان. میهمانان که می‌رسند با لبخند، گل‌ها را به آنها می‌دهند و دور آنها حلقه می‌زنند، بزرگ‌ترهای روستا هم خوشامد می‌گویند و کمی بعد همه را برای شروع مراسم رسمی به داخل مسجد دعوت می‌کنند. اینجا روستای «لج» در نزدیکی شهر مهاباد در استان آذربایجان غربی است، جایی که قرار است کتابخانه تازه‌تأسیس روستا با بیش از هزارو ۵۰۰ جلد کتاب رسما افتتاح شود. میهمانان هم دو مقام مسئول از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - مرضیه مرآت‌نیا به‌عنوان مشاور وزیر در امور بانوان و محسن حاجی‌زین‌العابدینی، معاون سابق نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور- و مسئولان انجمن خیریه حامی به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی بودجه و امکانات لازم برای این کتابخانه هستند.

داخل صحن اصلی مسجد روستا به غیر از اهالی، میهمانانی از مهاباد هم آمده‌اند، از فعالان فرهنگی و دانشگاهی تا تعدادی از شاعران و نویسندگان منطقه، کتابخانه‌ای که قرار است افتتاح شود نام ژیار را بر خود دارد و به یادبود هنرمندی به نام «فرهاد فرجلی» تجهیز شده است، هزینه تجهیز این کتابخانه به مبلغ ۱۷ میلیون تومان را حامی مالی آن، زهره عبدالله‌زاده پرداخت کرد. او هم در این مراسم برای افتتاح کتابخانه به روستای لج دعوت شده است و از دست اهالی روستا لوح سپاسی دریافت کرد. شور و شوق بچه‌ها از افتتاح کتابخانه در چهره‌شان معلوم است. سه ردیف از حاضران در مسجد را بچه‌ها پر کرده‌اند. در سوی دیگر همین شور را به شکلی دیگر در چهره و گفته‌های بزرگان روستا می‌تواند دید. علی رسول‌پور، دهیار روستا، پشت تریبون می‌رود و به‌غیراز تشکر و قدردانی مفصلی که از انجمن حامی برای توجهشان به روستای لج می‌کند، از مشکلات روستا و کم‌توجهی‌ها و کمبود بودجه‌ها می‌گوید به این امید که صدا و درخواستشان از تریبون رسانه به مسئولان برسد؛ آیا می‌رسد؟ لج در ۲۱ کیلومتری مهاباد است و هزارو ۳۹۰ نفر جمعیت دارد. در رأس درخواست‌های آقای دهیار، کمک برای بهسازی و مرمت حمام تاریخی روستاست. حمامی با معماری منحصربه‌فرد که هنوز بیشتر از ۸۰ درصد بنای آن سالم و دیدنی است و با کمی مرمت و بهسازی می‌تواند به نقطه‌ای دیدنی در این روستا بدل شود. کمی بعد کتابخانه روستا که در ساختمانی چسبیده به مسجد روستا راه‌اندازی شده است، افتتاح شد.

مقصد بعدی کمی نزدیک‌تر به شهر مهاباد در روستای آگریقاش است. اینجا هم میزبان مراسم افتتاحیه کتابخانه، مسجد روستاست. جمعیتی به‌مراتب بیشتر از روستای قبلی، شامل کودکان و بزرگسالان در این روستا هم با شوروشوق به صف ایستاده‌اند. هم برای خوشامدگویی و هم افتتاح کتابخانه‌ای که به نام زنده‌یاد توران میرهادی نام‌گذاری شده است؛ توران میرهادی، استاد و نویسنده در حوزه ادبیات کودکان که سرپرستی تدوین و تألیف فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان را نیز بر عهده داشته است. میرهادی را «مادر ادبیات کودک و نوجوان در ایران» خوانده‌اند. اتاق کودک کتابخانه این روستا نیز به نام اولین کتابدار جوان این کتابخانه، فرزاد قنبری نام‌گذاری شده است. فرزاد در حادثه‌ای در تابستان ۹۶ جان خود را از دست داد. انجمن حامی، هزینه ۱۷ میلیون تومانی تجهیز کتابخانه آگریقاش را به‌صورت کمپینی با مشارکت و همراهی ۱۸ نفر از خیران تأمین کرد. بخش بزرگی از کتاب‌های کتابخانه این روستا را خود مردم و اهالی روستا اهدا کرده‌اند. در مراسم افتتاح این کتابخانه در یک سو بنری با تصویر زنده‌یاد میرهادی به چشم می‌آید و در سویی دیگر تصویری از کتابدار جوان و تازه درگذشته روستا. اینجا هم حاضرانی که پشت تریبون می‌روند، در صحبت‌های خود چه با زبانی ادیبانه و چه شعر از اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی می‌گویند. کودکانِ ردیف‌به‌ردیف نشسته نیز پس از پایان صحبت هر نفر با اشتیاق تشویق می‌کنند. ساختمان کتابخانه این روستا را دهیاری اهدا کرده است. خانه‌ای با دو اتاق و حیاطی بزرگ، یک سو اتاق کودک با کتاب‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌های آموزشی مناسب کودکان و سوی دگر قفسه‌های پر از کتاب و میز و صندلی‌هایی برای مطالعه. شب شده است و سوز سرمای پاییزی روستا بیشتر شده، اما بچه‌های آگریقاش خیال رفتن به خانه‌هایشان را ندارند و در اتاق‌های کتابخانه نونوارشان کتاب‌ها و میز و صندلی و بازی‌ها را وارانداز می‌کنند. مقصد بعدی استان کردستان و روستایی به نام شوی نزدیک شهر بانه است.

اعضای انجمن خیریه حامی و همراهانشان شب را در مهاباد سر می‌کنند و فردا استان آذربایجان غربی را به سمت استان کردستان ترک می‌کنند. کتابخانه‌ای که در روستای شوی بانه افتتاح می‌شود، ریژگه نام دارد و خانواده خیری به نام حسن رستمی هزینه ۱۷ میلیون تومانی تجهیز این کتابخانه را تأمین کرده‌اند.

فرح حق‌نژاد، عضو هیئت‌مدیره و هیئت امنای انجمن حامی درباره فرایند شناسایی روستاهای هدف و همچنین یافتن خیران تأمین‌کننده بودجه به «شرق» می‌گوید: «ما مناطق هدف خود را استان‌های مرزی و به‌صورت مشخص استان‌های سیستان‌وبلوچستان و کردستان و آذربایجان غربی گذاشته‌ایم. بخشی از فعالیت انجمن، مدرسه‌سازی است و بخش دیگر راه‌اندازی و ساخت کتابخانه است. در مرحله اول روستاهای هدف و معرفی‌شده را بررسی می‌کنیم و براساس شاخص‌هایی که دارند مثل جمعیت، میزان امکانات و نیازمندی و دسترسی‌ها بررسی می‌شوند و پس از تأیید شرایط برای راه‌اندازی کتابخانه اقدام می‌شود. از طرف دیگر کمیته جذب خیران انجمن که وظیفه‌شان پیداکردن خیران مشتاق برای تأمین هزینه در این زمینه‌هاست، با آنها صحبت می‌کنند و شرایط برایشان توضیح داده می‌شود و در نهایت پس از کسب رضایت، کار ساخت یا تجهیز کتابخانه‌ها آغاز می‌شود».

انجمن حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی یا به اختصار «حامی» با این هدف به وجود آمد که ما ضرورت و نیاز ساخت فضاهای آموزشی را احساس می‌کردیم. ما سعی کردیم تشکلی به وجود آوریم که کمک‌های معنوی و مادی علاقه‌مندان را جمع‌آوری و سازماندهی کند و با کارشناسی و نیازسنجی، آن را صرف ساخت مدرسه در مناطق محروم کنیم

به گفته خانم حق‌نژاد تجهیز کتابخانه در حقیقت به معنای ارسال قفسه کتاب، میز کتاب‌خوانی، میز کتابدار، صندلی، تشکچه‌های قصه‌خوانی کودکان، بازی‌های فکری برای اتاق کودک، کامپیوتر و کتاب است. او همچنین ادامه می‌دهد: «این انجمن از زمان تأسیس در سال ۸۱ تاکنون، ۲۳ مدرسه و چهار کتابخانه مجهز در مناطق دورافتاده و کم‌برخوردار کشور احداث کرده و همچنین ۵۰ باب کتابخانه عمومی و ۵۳ کوله کتاب (کتابخانه‌های سیار گردشی) نیز غالبا در مناطق روستایی تجهیز کرده است».

او در پاسخ به این سؤال که انجمن حامی چگونه تأسیس شد نیز این‌طور پاسخ می‌دهد: «انجمن حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی یا به اختصار حامی با این هدف به وجود آمد که ما ضرورت و نیاز ساخت فضاهای آموزشی را احساس می‌کردیم و معتقد بودیم سازندگی در کشورمان به همراهی و همدلی جمعی نیاز دارد. ما سعی کردیم تشکلی به وجود آوریم که کمک‌های معنوی و مادی علاقه‌مندان را جمع‌آوری و سازماندهی کند و با کارشناسی و نیازسنجی، آن را صرف ساخت مدرسه در مناطق محروم کنیم. با همین هدف انجمن را به ثبت رساندیم. سپس انجمن از سال ۱۳۸۸ با هدفی که در امر اشاعه فرهنگ مطالعه برای خود قائل است، به ساخت و تجهیز کتابخانه‌های روستایی پرداخت و ازآنجایی‌که آموزش در قبال کودکان هر مرز و بوم نقش حیاتی دارد و مدارس بیشترین تعداد کودکان تحت آموزش را دربر دارند، از سال ۱۳۹۱ به توانمندسازی کودکان از مسیر آموزش روی آورد. این انجمن بیشتر در نقاط محروم و فاقد امکانات فعالیت می‌کند. تأسیس کتابخانه در اولویت کار آن است».

مقصد آخرین روز سفر روستای شوی در هفت کیلومتری سمت غرب بانه است. مسجد بزرگ روستا پر است از جمعیت. پیر و جوان و کودک مشتاقانه نشسته‌اند تا کتابخانه روستا افتتاح شود. به غیر از میهمانانی که از تهران آمده‌اند، مسئولان و چهره‌های شناخته‌شده فرهنگی و مذهبی از شهر و روستاهای اطراف و همچنین سنندج، مرکز استان، به این مراسم دعوت شده‌اند.

کتابخانه‌ای که در این روستا قرار است افتتاح شود ۵۰ متر مربع زیربنا دارد و آن را دهیاری روستا برای راه‌اندازی کتابخانه در اختیار انجمن حامی قرار داده است. به گفته عثمان رفاعی، مسئول نمایندگی انجمن حامی در شهرستان بانه که یکی از سخنرانان مراسم است: «در نخستین مرحله از فعالیت این مرکز فرهنگی که با استقبال گرم اهالی و دانش‌آموختگان این روستا روبه‌رو شده، هزارو ۷۰۰ جلد کتاب در هزارو ۵۰۰ عنوان شامل موضوعات ادبی (رمان، شعر و ادبیات کودک) به زبان‌های کردی و فارسی، موضوعات تاریخی، تربیتی، علوم پایه، کودک و نوجوان و آموزشی و همچنین کتاب، قفسه، میز مطالعه، رایانه، میز کتابدار، صندلی و بازی‌های فکری کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی فراهم شده است و علاقه‌مندان در روستای شوی و آبادی‌های اطراف می‌توانند ضمن امانت‌گرفتن کتاب‌ها و منابع موجود، از فضای مطالعه و لوازم یادشده هم استفاده کنند». او همچنین می‌گوید: «علاوه‌بر راه‌اندازی اولیه کتابخانه‌های عمومی، شارژ و تزریق کتاب‌ها و منابع جدید و تهیه بسته‌های آموزشی برای دانش‌آموزان در مهرماه هرسال نیز از جمله حمایت‌های مستمر انجمن از فضاهای فرهنگی راه‌اندازی‌شده و فعالیت‌های این عرصه است».

دیگر سخنران مراسم برای حاضران مشتاق، «فرح حق‌نژاد»، مسئول امور کتابخانه‌های غرب کشور انجمن حامی بود که در صحبت‌های خود از رسالت و اهداف صرفا فرهنگی و آموزشی این نهاد مردمی در مناطق کم‌برخوردار کشور گفت و ابراز امیدواری کرد آغازبه‌کار این کتابخانه سرآغاز رونق‌گرفتن مطالعه و کتاب‌خوانی در این روستا باشد و قول داد در آینده هم برای تأمین کتاب‌های بیشتر برای این کتابخانه اقدام کنند.

محمدامین صبوری، بخشدار مرکزی بانه هم در این مراسم حضور داشت و در سخنانی با اشاره به پیشینه غنی اسلامی و فرهنگی ساکنان دهستان شوی از گذشته تاکنون، علاقه‌مندی و رشد و پویایی فرهنگی ساکنان، دانش‌آموختگان و نخبگان این روستا را دلیل پیگیری و راه‌اندازی کتابخانه و مراکز فرهنگی جدید ذکر کرد.

براساس اعلام در قالب ایده‌ای با عنوان «کوله کتاب» که ویژه مناطق کم‌جمعیت و پراکنده است نیز که از دیگر اقدامات و ابتکارات این انجمن در بخش مرکزی شهرستان بانه است،۱۰ کوله با مرکزیت دهستان «شوی» هرکدام شامل ۱۳۴ عنوان و جلد کتاب به‌صورت گردشی در اختیار ساکنان روستاهای اطراف قرار می‌گیرد.

تهرانشهر

نگاهی ملی در داستان دهقان فداکار

محسن هوشمند*

● «دهقان فداکار» کتاب‌های درسی بسیاری از ایرانیان پس از مدتی بیماری در یازدهم آذر درگذشت. همان‌طوری که تقریبا قاطبه ایرانیان باسواد خبر دارند، جوانی در شبی سرد پس از ریزش کوه بر مسیر عبور راه‌آهن، ازخودگذشتگی می‌کند و جان جمعی از هم‌میهنان را نجات می‌دهد. در این چند روز گروه بی‌شماری از ایرانیان در غم ازدست‌دادن آن قهرمان شریک بودند. انواع پیام‌ها و خبرهایی که در رسانه‌های مختلف و بین ایرانیان ردوبدل شد، خود گواه است بر این مدعا. عده‌ای نیز گمانه‌زنی کردند که نامش این نیست و آن است و عده‌ای دیگر که خود آن مرحوم گفته لباس گرمش را درنیاورده یا کتک خورده است و بی‌توجهی مسئولان و فقر و جز اینها. مسئله مورد توجه دیگر، حذف داستان «دهقان فداکار» از کتاب‌های درسی بود؛ اما مسئله‌ای دیگر نیز وجود دارد که اکثر تحلیلگران یا رسانه‌ها به آن التفاتی نداشتند، پیرنگ داستان و دلیل قرارگیری آن در کتاب‌های درسی بود. خلاصه ماجرا این است که جوانی از روستاهای شهرستان میانه ازخودگذشتگی می‌کند و قطاری و سرنشینانش را از خطری می‌رهاند. ماجرا به نوع خود بزرگ است و بسیار مهم؛ اما اگر موضوع در روزنامه اطلاعات سال ۱۳۴۰ بازتابی نداشت و سپس دیگری در کتاب‌های درسی تعبیه نمی‌کرد، نه از تاک نشانی می‌ماند و نه از تاک‌نشان و آن ازخودگذشتگی در آن گردنه دفن می‌شد و شاید صرفا در ذهن نقش اصلی ماجرا باقی می‌ماند و ما از وجود چنین شخصیتی خبردار نمی‌شدیم؛ اما خوشبختانه نویسنده‌ای آگاه و روشن این خلاصه را برمی‌گیرد و با به‌کارگیری قواعد داستان‌نویسی آن را برای کودکان سرزمین ایران به‌شیوه‌ای همدلانه و داستانی می‌پروراند و از آن مهم‌تر شخصیتی آگاه و مسئولیت‌پذیر و آشنا به ظرایف در نهاد تألیفِ آموزش‌وپرورش وقت داستان مذکور را در کتاب‌های درسی پایه ابتدایی قرار می‌دهد. برای این پیرنگ تصویری طراحی می‌کنند. آن را تبدیل به داستانی پرغرور برای همه ایرانیان می‌کنند و «ریزعلی» را نماد ازخودگذشتگی و فداکاری ملی می‌کنند؛ آن‌چنان‌که پس از گذشت بیش از ۵۰ سال از آن رخداد همه ایرانیان به آن داستان فخر می‌ورزند و خود را حاضر در آن لحظه سخت و «سخت پرشکوه» تصمیم‌گیری «دهقان ایران» می‌دانند و می‌بینند. از توضیحات قبل چند مسئله مهم را نتیجه می‌گیرم:

۱- دستگاه‌های آموزشی ایران نیاز به افرادی و نهادی دارد که بتوانند ادبیات و همچنین رخدادهای ایران و جهان را زیر نظر داشته باشند و بررسی کنند. این کار نیاز به تلاش و جدیت در کار دارد که متأسفانه امروزه کمتر دیده می‌شود و اثرات سوء بی‌توجهی مذکور پرهزینه و آفت‌زا خواهد بود که نمونه‌اش بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری و نارضایتی موجود است.

۲- اگر اتفاقی را مناسب یافتند، بر اساس آن پیرنگی و طرحی متناسب با اوضاع مملکت و در راستای اهداف ملی و پیشرفت ایران و تشویق کودکان و نوجوانان به کار و تلاش پایه‌گذاری کنند. آن‌گونه که برای دهقان فداکار شد.

۳- این نگاه باید به‌گونه‌ای باشد که همه ایرانیان، خود را در آن شریک بیابند و جامعه هدف همه ایرانیان باشد. به‌عنوان مثال، داستان مذکور در مسیری نزدیک دهکده‌ای در شهرستان میانه رخ داده است؛ اما داستان طوری طراحی شده است که در جای‌جای ایران قابل فهم است و همه با آن همدل هستیم.

ادامه در صفحه ۱۳

جدول ۲۹۸۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- نوعی آش که با آرد گندم تهیه می‌شود- اولین قسمت دستگاه گوارش- نوعی نارنگی ۲- رمانی از سیامک گلشیری، نویسنده معاصر ادبیات کشورمان ۳- بیرق- سبز تیره- لباس کشباف ۴- پایتخت ایتالیا- درخت عرب- هوای گرم مرطوب- از شهرهای آلمان ۵- پسر رستم در شاهنامه- محفل ۶- ستایش، وصف- شهر ساحلی- غزال- حرف فاصله ۷- کاشف واکسن آبله- وضع حمل‌کردن- تغار چوبی ۸- آسیب- اطراف کره زمین را فراگرفته است- پاک و بی‌آلایش ۹- خرگوش عرب- سیستم‌عاملی در کامپیوتر- کاشتنی انفجاری ۱۰- استفراغ- پهنه دشت- پهنه وسیع آبی- انکارکردن ۱۱- دایره‌المعارف فرانسوی- قطعه موسیقی برای یک یا دو نوازنده ۱۲- دارای خرابی مختصر- پایه و بنیاد- بازی و سرگرمی- رایحه ۱۳- چند بیت- همراه پشتک- دست محبت بر سر او بکشید ۱۴- به‌دنیاآمدن و متولدشدن ۱۵- صدای خنده بلند- ستون خیمه- انتقادکننده.

عمودی:

۱- دستگاهی برای اندازه‌گیری شدت جریان برق- عنوانی برای فرزند بزرگان ۲- آب مناسب استحمام- سراینده مثنوی وامق و عذرا- معلم مقطع متوسطه ۳- بوسه- زدودن، پاک‌کردن- له‌شده ۴- پارچه‌ها- نقطه شروع- ارسباران امروزی ۵- مکان- عرضه و لیاقت- چند مرتبه ۶- پایتخت آلبانی- سیاره زهره- ضربه سر در فوتبال ۷- دارای مزه گس با بوی تند - غیرقابل انکار- اهل ساوه و آقا- پرمصرف‌ترین ادویه مورد استفاده در پخت پیتزا ۱۳- لانه پرندگان- سیمی با مقاومت الکتریکی زیاد در برخی وسایل برقی- میوه ریز شیرین ۱۴- نمابر- شرح و بیان- پیاده در شطرنج ۱۵- گازی اشک‌آور - قوی.

۸- نوشته حاشیه سند- گیاهی از خانواده ریواس- بیدار ۹- به‌تازگی- قاضی- گوسفند جنگی ۱۰- جدید- بهشت- ساز زنده‌یاد همایون خرم ۱۱- نوه‌زاده- جای نگهداری پول‌های بانکی- ناپیدا ۱۲- هم تیمی- سرور

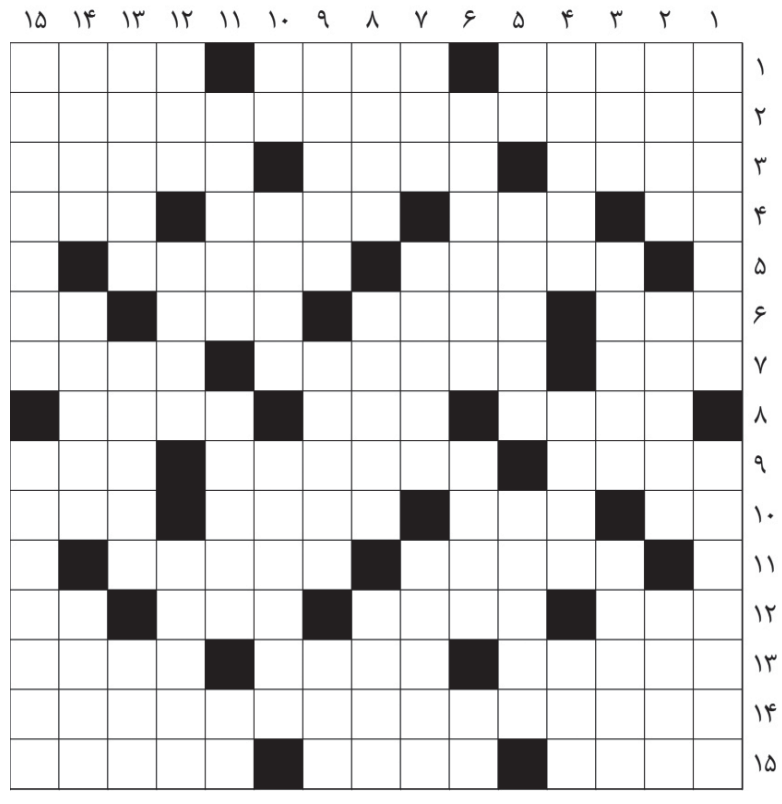

حل سودوکو سخت

۶	۵	۸	۱	۲	۷	۳	۹	۴
۴	۷	۹	۵	۳	۸	۲	۶	۱
۳	۲	۱	۴	۹	۶	۷	۵	۸
۸	۹	۶	۲	۷	۱	۵	۴	۳
۱	۴	۲	۳	۵	۹	۸	۷	۶
۵	۳	۷	۸	۶	۴	۱	۲	۹
۹	۸	۵	۷	۴	۳	۶	۱	۲
۷	۶	۳	۹	۱	۲	۴	۸	۵
۲	۱	۴	۶	۸	۵	۹	۳	۷

حل سودوکو ۱۹۸۲

۵	۸	۳	۷	۴	۹	۶	۲	۱
۱	۴	۹	۶	۳	۲	۸	۷	۵
۷	۶	۲	۱	۵	۸	۴	۳	۹
۹	۱	۶	۳	۷	۴	۲	۵	۸
۸	۲	۴	۵	۹	۱	۷	۶	۳
۳	۷	۵	۸	۲	۶	۹	۱	۴
۴	۳	۸	۲	۱	۷	۵	۹	۶
۲	۹	۱	۴	۶	۵	۳	۸	۷
۶	۵	۷	۹	۸	۳	۱	۴	۲

جدول ۲۹۸۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ح	ض	ر	ت	م	ح	م	د	■	م	د	د	ک	ا	ر
۲	و	ض	و	■	ق	ف	ق	ا	ز	ی	■	ر	ی	ن	ک
۳	ا	■	د	ا	د	ا	ر	■	ا	ر	ش	ا	د	■	ب
۴	س	ا	خ	ت	ا	ر	■	ا	ک	ز	و	ز	■	ل	ا
۵	■	ن	ا	ش	ر	■	ا	ب	ر	ا	ر	■	ج	و	ر
۶	پ	ه	ن	ا	■	ا	ی	و	ب	■	ه	م	ا	ی	■
۷	ی	ا	■	ف	ز	و	ن	ی	■	خ	ز	ا	ن	ی	ه
۸	ز	■	ق	ر	ن	ی	ه	■	ک	و	ا	ک	ب	■	ر
۹	ا	ر	د	و	ا	ز	■	گ	و	د	ر	ز	■	ر	ن
۱۰	■	ا	ر	ز	ش	■	پ	ا	پ	ی	■	ی	ه	و	د
۱۱	ا	ن	ت	■	و	س	ی	ل	ه	■	ت	م	ا	س	■
۱۲	ب	ش	■	ح	ی	ر	ا	ن	■	گ	ی	و	ت	ی	ن
۱۳	و	■	ب	ر	ی	د	ن	■	پ	ی	ا	م	د	■	ی
۱۴	ج	ز	ی	ی	■	ر	و	ر	ا	س	ت	■	ا	ر	ز
۱۵	ا	ن	ت	ق	ا	د	■	پ	ر	و	ر	ش	گ	ا	ه

سودوکو سخت ۱۹۸۳

۱		۷						۹
		۵		۸				
۳	۲			۷		۵		
		۳		۲		۱	۹	
			۱		۶		۳	۷
	۱	۴	۳	۹				
		۲		۶				۵
۶	۹					۴		
					۴		۶	۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۹۸۳

۶	۸						۳	۵
	۹		۵		۳		۶	۲
۳		۲			۱		۷	۹
۹	۲			۴			۱	۸
۵		۴				۶	۹	۳
۸	۷		۱			۵		
۷			۴				۵	۱
	۶	۹			۸	۲		
۲					۷	۳	۸	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.